آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال هفتم
شماره ۲۱۹۳
پنجشنبه
۱۳ • ۰۶ • ۱۴۰۴
۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ / ۰۴ سپتامبر ۲۰۲۵

«آرمان ملی» به بررسی اختلاف نظرها در باب اِعمال سیاست تک یا چندنرخی شدن ارز می‌پردازد

جدال مدنی‌زاده و فرزین در یک زمین

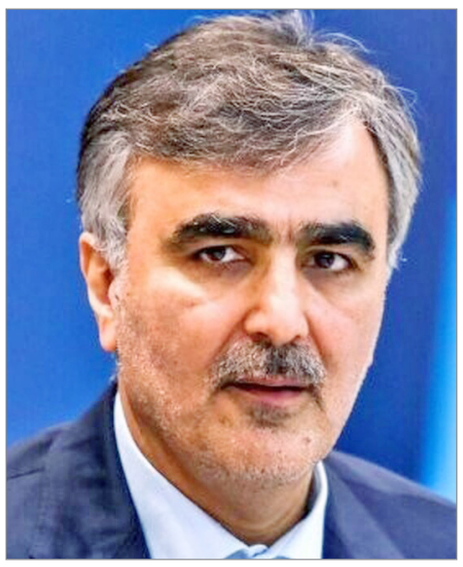

طرفداران تک نرخی شدن ارز معتقدند که شفافیت و حذف رانت تنها با یکسان‌سازی نرخ ارز حاصل می‌شود و فقط از این طریق می‌توان اقتصاد را از چرخه فساد، بی‌اعتمادی و ناکارآمدی خارج کرد

آرمان ملی – صدیقه بهزادپور: اختلاف نظر مدنی‌زاده وزیر اقتصاد و فرزین رئیس کل بانک مرکزی بر سر نرخ ارز این روزها در صدر اخبار رسانه‌ها قرار گرفته است و پیرو آن کارشناسان نیز اظهارنظرهای مختلفی در این باره داشته‌اند. بحث تک نرخی شدن ارز در اقتصاد ایران سال‌هاست که به یکی از جدی‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری تبدیل شده است. برخی با حمایت از نظر وزیر اقتصاد معتقدند، تک نرخی شدن ارز باعث کاهش فساد و دلالان و رانتخواری در این میان می‌شود و در نهایت به مدیریت مطلوب نوسانات نرخ ارز در بازار منتهی می‌گردد، اما گروهی نیز با حمایت از رئیس کل بانک مرکزی بر این باور هستند که شرایط کنونی، زمان مناسبی برای حذف ارز ترجیحی نیست، چراکه به احتمال بسیار زیاد، این طرح با گرانی بسیاری از کالاها به خصوص اقلام اساسی همراه خواهد شد که در نتیجه آن به اعتراضات و ناترازی‌های بسیار در کشور می‌انجامد.

دوباره چندنرخی شدن ارز

به گزارش «آرمان ملی»، طرح هرچند وقت یکبار تک نرخی یا چندنرخی شدن ارز در کشور تبدیل به یک رویه مرسومی شده است که البته بی‌نتیجه بودن آن و نداشتن خروجی مناسب فقط به نوسانات بازار در برهه‌های مختلف منجر می‌شود، چراکه اختلاف نظرات که البته همواره از بین اصلی‌ترین متولیان آن یعنی وزارت اقتصاد و بانک مرکزی آغاز می‌شود و به اظهارنظرهای کارشناسان ختم می‌شود، در نهایت بدون نتیجه‌گیری و واهمه از طوفان گرانی‌ها و... خاتمه می‌یابد. این بار نیز این پارادوکس فی مابین فرزین و مدنی‌زاده همچون زمان وزارت همتی در مسند وزارت اقتصاد شکل گرفته است که به نظر می‌رسد به همان نتیجه در دور قبل این رویکرد برسد. این گزارش حکایت از این می‌کند که طرفداران تک نرخی شدن ارز معتقدند که شفافیت و حذف رانت تنها با یکسان‌سازی نرخ ارز حاصل می‌شود و فقط از این طریق می‌توان اقتصاد را از چرخه فساد، بی‌اعتمادی و ناکارآمدی خارج کرد. اما از طرف دیگر، گروهی نیز سرسختانه بیم آن دارند که حذف ارز ترجیحی، همچون دومینوی تورم، معیشت خانوارهای ایرانی را تحت فشار شدید قرار دهد. درحال حاضر این جدال قدیمی، در سطح عالی مدیریت اقتصادی کشور، به تقابل آشکار میان وزیر اقتصاد، سیدعلی مدنی‌زاده، و رئیس کل بانک مرکزی، محمدرضا فرزین، تبدیل شده است؛ تقابلی که نه فقط یک اختلاف نظر فنی، بلکه نمایانگر شکاف عمیق در نگاه به آینده اقتصاد ایران است. مدنی‌زاده به عنوان سکاندار وزارت اقتصاد، تک نرخی شدن ارز را تنها مسیر اصلاحات می‌داند. او با صراحت می‌گوید تا زمانی که ارز چندنرخی است، زمینه فساد و رانت گسترده وجود دارد و فعالان اقتصادی با بی‌ثباتی مزمن مواجه خواهند بود. به اعتقاد او، شکاف میان نرخ رسمی و آزاد عملاً به محلی برای توزیع رانت‌های میلیاردی تبدیل شده که نتیجه آن چیزی جز بی‌اعتمادی در بازار، کاهش سرمایه‌گذاری و رشد دلالی به جای تولید نبوده است. به اعتقاد وزیر اقتصاد، تجربه بسیاری از کشورها نشان داده که با تک نرخی شدن ارز، نوسانات شدید و جهش‌های ناگهانی کاهش می‌یابد و امکان اجرای سیاست‌های حمایتی شفاف‌تری فراهم می‌شود. به عبارتی مدنی زاده معتقد است؛ هرچند تک نرخی شدن ممکن است در کوتاه‌مدت فشارهایی بر اقتصاد وارد کند، اما در بلندمدت ثبات، شفافیت و عدالت بیشتری به همراه دارد، اما از طرفی محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی، نیز سرسختانه همچنان بر لزوم تداوم سیاست ارز ترجیحی پافشاری می‌کند. او بر این اعتقاد است که؛ حذف ارز ترجیحی در شرایط فعلی اقتصاد ایران، معادل شعله‌ور کردن آتش تورم است. به گفته رئیس کل بانک مرکزی، چنانچه ارز ۲۸۵۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی حذف شود، قیمت این کالاها در بازار آزاد سر به فلک خواهد کشید و هزینه‌های زندگی اقشار متوسط و ضعیف به شدت افزایش می‌یابد، او معتقد است که بانک مرکزی وظیفه دارد ثبات را برای خانوارها تضمین کند و نمی‌تواند اجازه دهد یک تصمیم شتابزده، معیشت میلیون‌ها ایرانی را به خطر بیندازد. او بر این اعتقاد است که ساختار نامتوازن اقتصاد ایران، یعنی وابستگی شدید به صادرات مواد خام و نیاز گسترده به واردات کالاهای مصرفی و واسطه‌ای، اجازه نمی‌دهد تک نرخی شدن ارز به سادگی عملی شود، بر این اساس به گفته فرزین، اگر امروز به سمت تک نرخی شدن حرکت کنیم، نتیجه چیزی جز بی‌ثباتی بیشتر و تشدید تورم نخواهد بود.

اصلاحات ساختاری یا ثبات نسبی

به اعتقاد صاحب نظران؛ پارادوکس این دومقام مسئول در بدنه دولت حکایت از دو رویکرد متفاوت نسبت به وظیفه دولت دارد که بر اساس آن، مدنی‌زاده بیشتر بر اصلاحات ساختاری تمرکز دارد و معتقد است؛ چنانچه امروز دست به جراحی نزنیم، فردا دیگر فرصتی برای اصلاح باقی نخواهد ماند، وی تک نرخی شدن ارز را نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی اجتناب ناپذیر برای بقای اقتصاد ایران می‌داند. ولی فرزین نگاه کوتاه‌مدت‌تری دارد و بیش از هر چیز دغدغه مهار تورم جاری و کنترل انتظارات جامعه را مطرح می‌کند. او می‌داند که جامعه ایران پس از چند سال تورم بالای ۴۰ درصدی، تاب شوک جدید قیمتی را ندارد و هر تصمیمی که قیمت کالاهای اساسی را افزایش دهد، می‌تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی سنگینی به همراه داشته باشد. در این راستا کارشناسان اقتصادی نیز در حمایت از این دو باور به دو گروه تقسیم شده‌اند و در راستای اظهارات مدنی‌زاده معتقدند؛ ادامه سیاست ارز ترجیحی چیزی جز بازتولید فساد و ناکارآمدی نیست، این افراد تاکید می‌کنند که در عمل، یارانه‌ای که دولت با ارز ارزان به واردات می‌دهد، به جیب مصرف‌کننده نهایی نمی‌رسد، بلکه در مسیر تخصیص و واردات بخش بزرگی از آن به شکل رانت توزیع می‌شود. به اعتقاد آنها، تجربه ارز ۴۲۰۰ تومانی نمونه روشنی است که نشان داد چگونه یک سیاست حمایتی در نهایت به نفع گروه‌های خاص تمام شد و نه تنها قیمت کالاها کنترل نشد، بلکه تورم نیز ادامه یافت. از این رو، آنها بر این باورند که باید با شجاعت، این زنجیره معیوب را قطع کرد و اجازه داد بازار ارز در یک نرخ مشخص و شناور مدیریت شده فعالیت کند. از سوی دیگر، منتقدان تک نرخی شدن ارز و حامیان نظر فرزین، هشدار می‌دهند که اقتصاد ایران در شرایط شکننده کنونی توان تحمل چنین جراحی سنگینی را ندارد. به باور آنها، زمانی می‌توان به تک نرخی شدن اندیشید که اقتصاد کلان کشور به ثبات نسبی رسیده باشد، درآمدهای ارزی پایدار باشد و ذخایر ارزی کشور اجازه مداخله بانک مرکزی را بدهد، در غیر این صورت، تک نرخی شدن به جای ثبات، می‌تواند خود به محرک جهش‌های جدید ارزی تبدیل شود. این گروه همچنین یادآوری می‌کنند که تفاوت ایران با بسیاری از کشورهایی که تجربه موفق یکسان‌سازی نرخ ارز داشته‌اند، در محدودیت شدید منابع ارزی و تحریم‌های بین‌المللی است؛ شرایطی که باعث می‌شود الگوهای مرسوم در ایران به سادگی قابل اجرا نباشند.

دونظریه و راه میانه

در این میان برخی از تحلیلگران بر این باور هستند که، نکته مهم در این جدال آن است که هر دو دیدگاه، بخشی از واقعیت را بیان می‌کنن و آن اینکه حقیقت آن است که ادامه چندنرخی بودن ارز، رانت‌زا، فسادآفرین و ضدتوسعه است، ولی در عین حال، تک نرخی شدن ناگهانی نیز می‌تواند تبعات تورمی سنگینی داشته باشد که به‌ویژه برای اقشار ضعیف جامعه غیرقابل تحمل خواهد بود. به این ترتیب، راه‌حل منطقی شاید نه در ایستادن کامل در کنار یک دیدگاه، بلکه در یافتن مسیری میانه باشد، مسیری که همزمان با حرکت تدریجی به سمت تک نرخی شدن، مکانیزم‌های حمایتی هدفمند نیز برای اقشار آسیب‌پذیر در نظر گرفته شود. به عبارتی، همان طور که بسیاری از اقتصاددانان پیشنهاد می‌کنند، باید یارانه از ارز به مردم منتقل شود؛ یعنی به جای تخصیص ارز ارزان برای واردات، حمایت مستقیم و نقدی از خانوارها انجام گیرد تا هم شفافیت بیشتر شود و هم فشار تورمی بر زندگی روزمره مردم کنترل گردد. با این وجود، پرسش کلیدی این است که آیا نظام حکمرانی اقتصادی ایران ظرفیت چنین‌گذار دشواری را دارد؟ آیا می‌توان مطمئن بود که در روند تک نرخی شدن، شفافیت و عدالت جایگزین رانت و فساد می‌شود؟ آیا امکان دارد در سایه تحریم‌ها و محدودیت‌های ارزی، بانک مرکزی بتواند نرخ واحدی را در بازار تثبیت کند؟ این پرسش‌ها همچنان بی‌پاسخ مانده و همین بلاتکلیفی، بازار و فعالان اقتصادی را در وضعیت انتظار نگاه داشته است. اختلاف نظر میان وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی، انعکاس همان جدال بزرگ میان «اصلاحات ساختاری» و «مدیریت روزمره» در اقتصاد ایران است که از یک طرف، نیاز به تغییرات بنیادی برای نجات اقتصاد از دام فساد و ناکارآمدی وجود دارد؛ از طرفی هم ترس از تبعات اجتماعی و تورمی چنین تغییراتی سیاست‌گذاران را محتاط کرده است. این پارادوکس اگر به سرعت حل نشود، خود می‌تواند به منبع جدیدی از بی‌ثباتی تبدیل شود، چراکه قطعاً بازارها بیش از هر چیز نیازمند سیگنال روشن و قطعی هستند؛ دوگانگی در سطح عالی مدیریت اقتصادی، نه تنها به اعتماد عمومی آسیب می‌زند، بلکه انتظارات تورمی را نیز تقویت می‌کند. به گفته بسیاری از صاحب نظران اختلاف نظر وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی، نه فقط یک اختلاف فنی بر سر سیاست ارزی، بلکه تقابل دو نگرش متفاوت به آینده اقتصاد ایران است که بر اساس آن، وزیر اقتصاد بر اصلاحات بلندمدت تأکید دارد و بانک مرکزی دغدغه ثبات کوتاه‌مدت را دنبال می‌کند که البته هر دو استدلال قابل دفاع‌اند، اما پرسش بزرگ این است که آیا می‌توان میان این دو نگاه، تعادلی برقرار کرد؟ یا اینکه اقتصاد ایران باز هم قربانی تعلل و دوگانگی در تصمیم‌گیری خواهد شد؟ پاسخ به این پرسش، مسیر آینده اقتصاد کشور را رقم خواهد زد.

وزیر نفت:

میدان نفتی «آرش۱» ذخایر هیدروکربوری دارد

وزیر نفت با بیان اینکه در میدان گازی «آرش۱» اثبات شده که ذخایر هیدروکربوری وجود دارد، گفت: وجود ذخایر هیدروکربوری در میدان نفتی «آرش۱» اثبات شده و موضوع مالکیت آن توسط وزارت امور خارجه در حال پیگیری است. محسن پاک‌نژاد روز چهارشنبه در حاشیه حیاط دولت در جمع خبرنگاران اعلام کرد: وزارت امور خارجه پیگیر این موضوع است و بعد از نهایی شدن، ما در وزارت نفت این آمادگی را داریم تا نسبت به توسعه آن اقدام کنیم. وی یادآور شد: یکی از موضوعات مهم، بحث پالایشگاه‌های کوچک است. این پالایشگاه‌ها ظرفیت‌های قانونی مشخصی دارند و طبیعتاً به دنبال تخصیص خوراک هستند. وزیر نفت ادامه داد: فرایند تخصیص خوراک پالایشگاه‌های کوچک در بخش‌های مربوطه در وزارت نفت تسهیل شده و متقاضیان می‌توانند مراجعه کرده و از این ظرفیت استفاده کنند. هدف از توسعه این پالایشگاه‌ها، صادرات فرآورده و دور زدن تحریم‌هاست. وی اظهار داشت: در خصوص میدان گازی آرش، برخی کشورها از جمله عربستان ادعای مالکیت دارند، اما این ادعاها مورد تایید ایران نیست. میدان آرش در سال ۱۳۵۴ کشف شد و نخستین چاه اکتشافی آن حدود ۲۵ سال بعد یعنی در سال ۱۳۷۹، تحت عنوان «آرش یک» حفاری شد. پاک‌نژاد گفت: این چاه تا عمق حدود ۷۵۰ متر حفاری شده و به مرزهای ترسیمی قدیمی نزدیک شده است. ذخایر هیدروکربوری در این میدان اثبات شده و موضوع مالکیت آن توسط وزارت امور خارجه در حال پیگیری است. پس از نهایی شدن وضعیت حقوقی، وزارت نفت آمادگی دارد در صورت تعلق بخشی از میدان به ایران، اقدامات لازم برای توسعه آن را انجام دهد. وی خاطرنشان کرد: طبق برنامه هفتم توسعه، باید به فروش روزانه چهار میلیون بشکه نفت برسیم.

البته در هیچ جای برنامه، عدد چهار میلیون به عنوان ظرفیت تولید ذکر نشده، بلکه هدف‌گذاری برای رسیدن به ظرفیت تولید چهار میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز است. این عضو کابینه دولت چهاردهم اضافه کرد: برآورد فعلی این است که میزان تولید واقعی حدود چهار میلیون و ۵۸۰ هزار بشکه خواهد بود. تامین منابع مالی برای تحقق این اهداف یکی از چالش‌های جدی است که در حال پیگیری هستیم. وی تاکید کرد: نمی‌خواهیم بگوییم هیچ مشکلی در فروش نفت نداریم، اما برای اطلاع مردم عزیز باید گفت که در چهار ماه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته، به لحاظ کمی روزانه ۲۱ هزار بشکه بیشتر نفت فروخته‌ایم؛ یعنی چیزی حدود ۶۳۰ هزار بشکه در ماه افزایش فروش داشته‌ایم. به گزارش ایرنا، میدان نفتی و گازی آرش که در کویت با نام «الدره» شناخته می‌شود، یکی از منابع انرژی مهم در شمال خلیج فارس است که ایران، کویت و عربستان سعودی نسبت به مالکیت آن ادعا دارند.

این میدان دارای ذخایری بالغ بر ۲۰ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی و حدود ۳۱۰ میلیون بشکه نفت خام در جای است. نخستین بار در دهه ۱۳۴۰ شمسی توسط شرکت ژاپنی AOC کشف شد و ایران در سال‌های اخیر اقدام به حفاری چاه اکتشافی شماره یک در این میدان کرده است. در سال ۲۰۲۲، کویت و عربستان سعودی توافقی برای بهره‌برداری مشترک از این میدان امضا کردند که با واکنش منفی ایران مواجه شد.

ایران اعلام کرده است که بخش قابل توجهی از میدان آرش در آب‌های سرزمینی‌اش قرار دارد و خواهان سهم عادلانه از منابع آن است. با توجه به عدم تعیین دقیق مرزهای دریایی میان این کشورها، هرگونه اقدام یک جانبه در این منطقه می‌تواند منجر به افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی شود.

گزارش

لو رفتن اطلاعات صرافی‌ها تکذیب شد

رئیس مرکز اطلاعات مالی، ماجرای لو رفتن اطلاعات ۴۰۰ صرافی ایرانی از مسیر همکاری با FATF را کذب محض عنوان کرد. به گزارش روابط عمومی مرکز اطلاعات مالی، هادی خانی معاون وزیر اقتصاد و رئیس مرکز اطلاعات مالی در پاسخ به اشخاص و رسانه‌هایی که تجربه همکاری کشور با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بدعهدی کشورها در ارتباط با اجرای NPT را بهانه‌ای برای عدم همکاری و تعامل با FATF قرار می‌دهند، اظهار داشت: بارها به مخالفان عادی‌سازی پرونده کشور با FATF تأکید کردیم در عوض کوچه به کوچه شدن، نگرانی‌های خودشان را درباره استانداردها و توصیه‌های این نهاد، مستند کنید و پاسخ بگیرید چراکه FATF و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، جدا از ساختار و اهداف مجزا، در سطح الزام‌آوری و پیامدهای عدم همکاری نیز تفاوت بنیادین دارند. وی گفت: FATF نهادی سیاست‌گذار و هماهنگ‌کننده در حوزه یکپارچگی و امنیت مالی است که مأموریت اصلی آن تدوین استانداردهای مبارزه با پولشویی، تأمین مالی تروریسم و جلوگیری از اشاعه و تأمین مالی اشاعه سلاح‌های کشتارجمعی است؛ درحالی‌که آژانس انرژی اتمی صرفاً بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تمرکز دارد و فعالیت آن، بازرسی‌های میدانی و فنی همراه با تعهدات الزام‌آور حقوقی است. خانی درباره نحوه همکاری با FATF گفت: یک کشور می‌تواند هر زمان بخواهد همکاری خود را با این نهاد متوقف کند و بابت این نوع قطع همکاری، قطعنامه‌ای از شورای امنیت سازمان ملل علیه کشور صادر نمی‌شود و یا تهدید به حمله نظامی نخواهد شد چراکه توصیه‌های FATF ماهیت الزام‌آور حقوقی ندارند و فشار ناشی از عدم همکاری با این سازمان بین‌المللی عمدتاً به شکل انزوای پولی و بانکی، کاهش شهرت ریسک، کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تحمیل هزینه‌های روزافزون بر بدنه اقتصادی کشور از طریق تمام کشورها و نهادهای اقتصادی دنیا، نمایان می‌شود. وی افزود: اما در مورد آژانس انرژی اتمی، همکاری کشورها ذیل معاهدات الزام‌آور بین‌المللی همچون NPT صورت می‌گیرد و عدم پایبندی می‌تواند پرونده را به شورای حکام سپس شورای امنیت بکشاند که امکان صدور قطعنامه‌های سنگین و حتی استفاده از ابزارهای قهری و در شرایط بحرانی، گزینه نظامی وجود دارد. به گفته معاون وزیر اقتصاد، از این رو، اگرچه یک کشور می‌تواند با FATF همکاری نکند و هزینه‌های اقتصادی آن را بپردازد اما در قبال آژانس چنین آزادی عملی ندارد و قیاس این دو نهاد از اساس مع‌الفارق است. رئیس مرکز اطلاعات مالی، این نگاه که عدم تحقق انتظارات کشور در معاهده NPT را بهانه برای ترک میز مذاکره و مدیریت سایر چالش‌های بین‌المللی قرار دهیم، سطحی‌نگری و همراهی با خواست کشورهای متخاصم عنوان و هشدار داد: تجربه ثابت کرده است که تعلل و تأخیر در سازماندهی زیرساخت‌های حقوقی و مقرراتی مورد نیاز مدیریت پرونده کشور با گروه ویژه اقدام مالی، عملاً جز افزایش هزینه‌ها و انزوای بیشتر در تعاملات پولی و ملی کشور، خروجی دیگری نداشته است و امروز با مشکل بی‌اعتمادی عمیق سایر کشورها حتی در تیمسازی‌های مورد نیازمان در مدیریت این پرونده روبرو هستیم. معاون وزیر اقتصاد با بیان اینکه در قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۷۴، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵، ۱۹۲۹، ۲۲۲۴ و ۲۲۳۱ مرتبط با موضوعات هسته‌ای و سلاح‌های کشتارجمعی به‌ویژه در دو قطعنامه ۱۸۰۳ (سال ۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (سال ۲۰۱۰) در کنار اسم ایران به صراحت به ظرفیت تکمیلی FATF برای تحریم‌ها اشاره شده است، عنوان کرد: آیا واقعاً مخالفان عادی‌سازی پرونده کشور با FATF عادی‌سازی روابط‌مان با این نهاد را تهدید می‌دانند یا تداوم حضور در لیست کشورهای پرخطر و به تبع آن انزوای پولی و مالی و اقدامات تقابلی تمام کشورها علیه کشورمان؟! ولی نمی‌دانیم چرا برخی رسانه‌های مخالف خروج کشور از لیست کشورهای پرخطر و بدنام همچنان اصرار بر این ادعای کذب دارند و یا اصرار می‌کنند که باید به FATF اطلاعات بدهیم. معاون وزیر اقتصاد تأکید کرد: آنچه مسلم است مرکز اطلاعات مالی بدون تأثیرپذیری از فشارها در چارچوب تصمیمات ابلاغی ارکان تصمیم‌گیر کشور عمل می‌کند و مستند به استانداردهای موجود پاسخ خواهد داد لیکن انتظار داریم برخی‌ها این ذهنیت را نداشته باشند که مرکز اطلاعات مالی علاوه بر ۳۹ کشور و سازمان عضو FATF با عضو فرضی دیگر این سازمان در داخل مواجه است که مستندات را مطالعه نکرده‌اند و توقعاتی فراتر از استانداردها و توصیه‌های این نهاد دارند و تلاش می‌کنند تفسیرهای شخصی خود را القا نمایند. وی تأکید کرد: افرادی که اصرار دارند باید به FATF اطلاعات اقتصادی‌مان را بدهیم با مسئولیت خودشان بدهند چراکه نه این نهاد برابر استانداردهایش می‌تواند مطالبه کند و نه قرار است مرکز اطلاعات مالی این اطلاعات را بدهد.

کوتاه

واردات خودروهای بالای ۲۵۰۰ سی‌سی

معاون وزیر صمت گفت: امسال برای اولین بار پس از ۱۳ سال خودروهای با حجم موتور بالا وارد کشور می‌شود که می‌تواند نقش مؤثری در کاهش قیمت این رده از محصولات در بازار داشته باشد. سیدحامد عاملی تداوم روند رشد واردات خودرو در سال جاری با ۲۵ درصد افزایش نسبت به زمان مشابه سال قبل را زمینه‌ساز ورود ۲۵ هزار دستگاه خودرو به کشور اعلام کرد و گفت: ثبت سفارش واردات تا سقف صدور هزار دستگاه در دستور کار قرار دارد. وی با اشاره به ابلاغ تعرفه واردات خودرو به گمرک افزود: با اعمال تعرفه ۲۰ درصدی برای خودروهای اقتصادی، شرایط ثبات قیمت و تنظیم بازار برای مصرف‌کننده واقعی فراهم می‌شود. عاملی، شکسته شدن انحصار ۱۳ ساله خودروهای بالای ۲۵۰۰ سی‌سی را گامی دیگر در جهت تعدیل قیمت بازار محصولات خودرویی کشور دانست و گفت: امسال برای اولین بار پس از ۱۳ سال خودروهای با حجم موتور بالا وارد کشور می‌شود که می‌تواند نقش مؤثری در کاهش قیمت این رده از محصولات در بازار داشته باشد. معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت با بیان این که توجه به حقوق عامه، برای برخورداری مردم از خودرو با کیفیت و قیمت مناسب؛ رویکرد محوری وزارت صمت است، تصریح کرد: برای اولین بار ستاد ارتقای کیفی خودروهای ساخت داخل هم فعال شده تا با تعیین شاخص‌های کیفی، ارزیابی و اعلام آن به مردم، مسیر مردمی‌سازی نظارت بر خودروها فراهم شود. وی ایجاد ثبات در بازار خودرو با واردات بیش از ۶۰ هزار دستگاه خودروی سواری به کشور با وجود نوسانات ارزی را که رشد ۴۳۴ درصدی نسبت به سال قبل از آن داشته از سیاست‌های موفق وزارت صنعت، معدن و تجارت عنوان کرد.

دریچه

تهرانی‌ها باز هم صرفه‌جویی کنند

در حالی که وزیر نیرو اعلام کرده مردم تهران تاکنون ۱۳ درصد در مصرف آب صرفه‌جویی کرده‌اند، سخنگوی صنعت آب می‌گوید برای عبور از بحران کم‌آبی پاییز، نیاز است شهروندان حداقل ۱۲ درصد دیگر کاهش مصرف داشته باشند. به‌گزارش ایسنا، تهران چندین سال است که با چالش بحران آب دست‌وپنجه نرم می‌کند موضوعی که هر سال رنگ تیره‌تری به خود می‌گیرد، اما امسال اوضاع از همیشه بدتر شد تا جایی که پای مافیای پمپ و مخزن نیز به این بحران باز شد. یکی از راهکارهای کوتاه مدت برای حل این مساله موضوع انتقال آب از سد طالقان به تهران بود که می‌تواند آب شرب ۳ میلیون نفر را تامین کند، آنطور که عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو گفته انتقال آب به تهران از سد طالقان مصوبه قانونی دارد، ولی قبل از اجرای این اقدام، با اقدامات صورت گرفته مدیریت مصرف آب در شهر تهران سه برابر این ظرفیت انجام شد. با این حال، بزرگ‌زاده، سخنگوی صنعت آب اعلام کرده صرفه‌جویی کنونی هنوز برای عبور پایدار از کم‌آبی کافی نیست. اگر ۱۲ درصد دیگر از شهروندان تهرانی مدیریت مصرف آب را رعایت کنند، می‌توان با تنش قابل قبول پاییز را پشت سر گذاشت. این اظهارات نشان می‌دهد نقش مردم در مدیریت منابع آب بسیار کلیدی است و بدون مشارکت آنها، اقدامات ساختاری حتی با هزینه‌های سنگین، به تنهایی اثرگذار نخواهد بود. باید توجه داشت که با فرض صرفه‌جویی ۲۰ درصدی شهروندان، سرانه مصرف هر فرد از ۲۵۰ لیتر به ۱۵۵ لیتر در شبانه‌روز کاهش می‌یابد، اما این رقم هنوز ۲۰ درصد بالاتر از الگوی مصرف استاندارد ۱۳۰ لیتر است، البته آنطور که آمار می‌گوید سالانه بیش از ۱.۲ میلیارد مترمکعب آب در شبکه توزیع تهران جریان دارد و حدود ۲۲ درصد آن به دلیل هدررفت واقعی و ظاهری هزینه‌ای دریافت نمی‌شود. تنها ۱۱ درصد هدررفت واقعی شبکه ناشی از فرسودگی و نشت است که نسبت به متوسط جهانی قابل قبول است، اما کاهش بیشتر آن مستلزم هزینه‌های بسیار سنگین مالی است. بخشی دیگر از هدررفت ناشی از برداشت‌های غیرمجاز، شمارشگرهای معیوب و حوادث است که با همکاری مردم و گزارش به سامانه ۱۲۲ قابل کنترل است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از فشار بر منابع آب و مدیریت بحران، متوجه مصرف‌کنندگان شهری است، در حالی که برنامه‌ریزی برای افزایش کارایی شبکه، توسعه منابع پایدار و کاهش وابستگی به انتقال آب‌های بین استانی یا پرهزینه، هنوز کامل نیست. به عبارت دیگر، مردم باید بار سنگین ناترازی منابع را به دوش بکشند و این سوال مطرح می‌شود که چرا مسئولان نتوانسته‌اند سهم خود را در مدیریت کم‌آبی تهران به طور جدی ایفا کنند. در کنار این، تغییرات جمعیتی و افزایش بارگذاری شهری نیز فشار مضاعفی بر منابع آب ایجاد کرده است. هر ساله مهاجرت‌های غیررسمی و رشد جمعیت، تقاضای آب را افزایش می‌دهد و بدون برنامه‌ریزی بلندمدت، صرفه‌جویی‌های کوتاه‌مدت مردم نمی‌تواند مشکل کم‌آبی را به طور پایدار حل کند. همچنین، بررسی‌های فنی نشان می‌دهد کاهش هدررفت شبکه، به رغم برنامه‌های کنترل فشار و اصلاح خطوط، حد مشخصی دارد و رسیدن به سطح ایده‌آل نیازمند سرمایه‌گذاری سنگین و زمان طولانی است. در نتیجه، تنها راه قابل اتکا برای عبور از بحران فعلی، ترکیب مدیریت فنی، اصلاح شبکه و مشارکت واقعی شهروندان است، در حالی که فشار اصلی هنوز بر دوش مردم باقی مانده و مسئولان باید برنامه‌های راهبردی بلندمدت خود را سرعت بخشند.

نبض بازار

سبزپوشی تالار شیشه‌ای

بازار سرمایه که طی سه روز اخیر روند افزایشی به خود گرفته است، امروز هم سبزپوش شد؛ به طوری که شاخص کل با افزایش ۴۶ هزار واحد به رقم دو میلیون و ۵۲۳ هزار واحد رسید. روز (چهارشنبه) شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران ۴۶ هزار و ۳۸۰ واحد رشد کرد و به رقم دو میلیون و ۵۲۳ هزار و ۵۳۹ واحد رسید. بازار سرمایه دو روز کاری قبل هم به ترتیب ۳۴ و ۴۷ هزار واحد رشد کرده و کانال ۲.۴ میلیون را پس گرفته بود. این در حالی است که بورس از ۲۸ تیر روند کاهشی داشته و طی این مدت از کانال ۲.۸ میلیون واحد به ۲.۴ میلیون واحد رسیده است. در آخرین روز کاری هفته شاخص هم‌وزن هم ۸۰۸۹ واحد افزایش داشت و در عدد ۷۷۳ هزار و ۵۰۰ واحد ایستاد. دیروز تعداد سهام مثبت بورس ۲۸۸ عدد و سهام منفی ۵۱ عدد بود. تعداد خریداران به ۳۹ هزار نفر رسید. به طور کلی بازار ۱.۸۷ درصد افزایش داشت. همچنین ۲۲۹ هزار فقره معامله به ارزش حدود ۸۰۰۰ میلیارد تومان در بازار سهام انجام شد. فارس، فملی و فولاد بیشترین تاثیر مثبت را بر شاخص بورس داشتند. از نمادهای پرتراکنش نیز می‌توان به خودرو، فولاد و خساپا اشاره کرد. شاخص فرابورس ایران هم دیروز افزایش ۱۳۲ واحد را تجربه کرد و به ۲۳ هزار و ۳۲۲ واحد رسید. تعداد معاملات دیروز فرابورس ۱۳۲ هزار فقره و ارزش آن ۴۷ هزار میلیارد تومان بود. ومپنا و شاوان بیشترین تاثیر مثبت را بر شاخص فرابورس داشتند اما فزر اثر منفی ایجاد کرد. فزر، رپویا و نان نیز از نمادهای پرتراکنش فرابورس بودند. عمده کارشناسان معتقدند، بازار سرمایه به لحاظ بنیادی شرایط مطلوبی دارد، اما متغیرهای سیاسی، کمبود نقدینگی، عدم اعتماد سهامداران و فعالیت نوسان‌گیری تاکنون باعث شده تا بازار نتواند آنطور که باید و شاید رشد کند. با این حال، بورس تا قبل از ریزش‌های اخیر رکورد شکنی کرده و تا کانال ۳.۲ میلیون واحد رشد کرده بود.